

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۰ سپتمبر ۲۰۲۱

جمهوری اسلامی در اسلامیزه کردن جامعه ایران شکست خورده است!

دوران جدید سیاست جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر چرخش پرسرعت به شرق به جای غرب، اولویت دادن هرچه بیشتر به اسلامیزه کردن جامعه، سرکوب شدیدتر نارضایتی‌ها و اعتراض‌های عمومی و فردی و همچنین بحران مدیریت کرونا و اقتصاد ورشکسته آغاز شده است. در چنین شرایطی، نهادهای حکومتی همچون گذشته وعده می‌دهند که با بازگشت به ارزش‌های انقلاب و ایدئولوژی‌های حاکمیت، می‌خواهند چرخ زنگزده نظام را بچرخانند و شرایط موجود را حفظ کنند. خود همین وعده‌ها به خوبی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی در اسلامیزه کردن جامعه ایران شکست خورده است. به عبارت دیگر حکومتی که در چهل و سه سال نتوانسته جامعه را اسلامی کند بعد از این نیز هرگز موفق نخواهد شد.

آیت‌الله قاتل ابراهیم رئیسی هشتمین رئیس جمهوری اسلامی ایران است. رئیس دولت چهاردهم در سخنان مراسم تحلیف خود تاکید چندباره‌اش بر حرکت در مسیر «ارزش‌های مدنظر امام خامنه‌ای» در گام دوم انقلاب بود. واژه‌هایی تازه از سوی رئیس‌جمهوری جدید که سعی می‌کند همسو بودنش با دستگاه رهبری را پررنگ کند. پیش‌تر در مراسم تنفیذش نیز از این‌که به دلیل محدودیت‌های کرونا نمی‌تواند دست آیت‌الله خامنه‌ای را ببوسد، ابراز تاسف کرده بود. در مقابل، آیت‌الله خامنه‌ای هم در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی، با تمجید از او رضایتش از چنین انتخابی را نشان داد.

نهادهایی که در دست‌کم چهار دهه گذشته، نهادهای قدرت، پول و اقتصاد، تربیون‌های سیاسی، مذهبی و تبلیغاتی و نیز نهادهای نظامی را اختیار داشتند، حالا سه قوه جمهوری اسلامی و شورای شهر و شهرداری تهران را هم به دست گرفته‌اند. گروهی که در سرکوب و کشتار و ترور سنگ تمام گذاشته‌اند و از همین رو در مجلس طرح‌هایی برای تشدید سانسور و سرکوب از جمله کنترل فضای مجازی در دستور کار قرار می‌گیرد.



با این مقدمه به نمونه‌های جدیدی از اقدامات جمهوری اسلامی برای اسلامیزه کردن جامعه ایران اشاره می‌کنم. آنچه در افکار سران و مقامات جمهوری اسلامی ایران به «انقلاب فرهنگی دوم» شهرت یافته صرفاً محدود به اخراج استادان دانشگاه‌ها و «پاکسازی» دانشگاه‌ها از دانشجویان ستارمدار نمی‌شود. «انقلاب فرهنگی دوم» در ادامه انقلاب فرهنگی نخست بوده و بازتاب‌دهنده سیاست جمهوری اسلامی درباره اسلامیزه کردن دانشگاه‌ها و متون آموزشی است. برای مثال رضا داوری اردکانی (استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران و رئیس کنونی فرهنگستان علوم) گفته چند سال پیش دانشگاه آزاد حدود هفتاد استاد نامدار را در اوایل یک ترم بدون این‌که به آن‌ها اطلاع بدهد از طریق قطع حقوق اخراج کرد.

وی افزود: من هم یکی از آنان بودم که بر طبق رویه خود اعتراض نکردم و تا آخر ترم رفتم و درس را دادم. معنی این رویه و سکوت کنونی من این نیست که اخراج استاد را درست می‌دانم. من هم مثل بسیاری از همکارانم اخراج استاد دانشگاه، آن هم به جرم داشتن رای و نظر خاص را کاری ناروا می‌دانم. این رفتار و معامله در اصطلاح فقه معامله مغبون الطرفین است. یعنی هم به علم آسیب می‌رسد و هم دانشگاه زیان می‌کند و...

به این ترتیب می‌توان گفت که هدف مشخص شده و مسیر رسیدن به اهداف حاکمیت «شورای تحول علوم انسانی» تشخیص داده است: «انقلاب فرهنگی دوم».

سانسور و سرکوب در ایران باعث شده است که سطح مطالعه در این کشور بسیار نازل باشد. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ سرانه مطالعه افراد ۱۵ سال به بالا و باسواد در ماه به‌طور متوسط هشت ساعت و ۱۸ دقیقه بوده است.

به عبارت دیگر سرانه مطالعه در ایران روزانه ۱۶ دقیقه و ۳۲ ثانیه ارزیابی شده که از این مقدار شش ساعت و ۳۲ دقیقه سرانه مطالعه کتاب غیردرسی، یک ساعت و ۲۳ دقیقه سرانه مطالعه روزنامه و ۲۳ دقیقه سرانه مطالعه نشریات بوده است.

طبق گزارشی که خبرگزاری ایسنا در این باره منتشر کرده، این آمارگیری در میان ۶۲ هزار و ۵۶۰ خانوار و با مراجعه به اطلاعاتی، از جمله اطلاعات مرتبط با حوزه کتاب و نشریات، موسیقی، شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی، تغذیه و سرمایه اجتماعی در میان افراد ۱۵ سال به بالا انجام شده است.

این تحقیق در چارچوب طرح «آمارگیری از فرهنگ رفتاری خانوار» انجام شده که از طرح‌های آماری جدید مرکز آمار ایران است.

هدف از این اقدام شناخت فعالیت‌ها و رفتارهای فرهنگی خانوارها و استفاده از آن برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور عنوان شده است.

در این آمارگیری ۴۳ هزار و ۷۰۰ خانوار شهری و ۱۸ هزار و ۸۶۰ خانوار روستائی شرکت داشته‌اند. از میان افراد ۱۵ سال به بالا که در سال ۱۳۹۹ کتاب‌های غیر درسی مطالعه کرده‌اند، بیش از ۳۳ درصد حداقل یک عنوان کتاب، بیش از ۵۲ و نیم درصد دو تا چهار کتاب، هفت و نیم درصد پنج تا هفت و شش و نیم درصد بیش از هفت کتاب مطالعه کرده‌اند.

در این گزارش ادعا شده است که اولویت مطالعه افراد به ترتیب قرآن و ادعیه، رمان و داستان‌های کوتاه بزرگسالان، روان‌شناسی و تربیتی و موضوعات دینی (به غیر از ادعیه و قرآن) بوده است. بیش‌ترین میزان مطالعه نیز به ترتیب مربوط به استان‌های یزد، قم و قزوین بوده و کم‌ترین میزان مطالعه در استان‌های کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر ثبت شده است.

روزنامه شرق خبر امتناع مدارس از دادن کارنامه به مادر دانش‌آموزان را رد تاریخ ۲۴ شهریور ۱۴۰۰ منتشر کرده بود. خبری که از یک بخش‌نامه حکایت می‌کند که بر اساس آن ارائه کارنامه به مادران ممنوع و مدارس مجاز هستند کارنامه و پرونده آموزشی دانش‌آموزان را تنها به پدر و یا جد پدری دانش‌آموزان تحویل دهند. ماجرای تحویل پرونده تحصیلی دانش‌آموزان به پدران

در گزارش روزنامه شرق آمده بود که برخی از خانواده‌ها از سوی مدارس پیامکی دریافت کرده‌اند که در آن اعلام شده با نهایت احترام به مادران، کارنامه دانش‌آموز فقط به پدر دانش‌آموز داده می‌شود. این گزارش موجی از انتقادات و نگرانی‌ها را به همراه داشت و با واکنش بسیاری از والدین و کاربران در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. برخی از مادران با ابراز نگرانی در واکنش به این خبر در شبکه‌های اجتماعی نوشتند: «با این رفتارها باعث می‌شوند بچه‌هایمان به خودمان هم احترام نگذارند.» مادر دیگری هم در اعتراض به این موضوع نوشت: «همه کارهای بچه به عهده مادرها است، از بدنیا آوردنش، تا تربیتش، تا تر و خشک کردنش، تا درس کار کردن با آن‌ها و بردن و آوردن‌شان به مدرسه، حالا کارنامه‌اش رو به ما نمی‌دهند؟ چرا شأن ما مادران را آن قدر پائین می‌آورید؟» برخی دیگر از خانم‌ها و آقایان نیز در واکنش به این خبر نوشتند: «واقعاً خیلی از پدرها حتی نمی‌دانند بچه‌هایشان کدام مدرسه درس می‌خوانند!»

البته ناگفته نماند این برای اولین بار نیست که خبری درباره تبعیض در برخورد والدین دانش‌آموزان از سوی سیستم آموزشی منتشر می‌شود. در سال‌های گذشته نیز اخبار مشابهی منتشر شده بود و جسته و گریخته در برخی مدارس نیز شاهد اجرای چنین بخش‌نامه‌هایی بودیم. زن‌ستیزی و مردسالاری یکی از پایه‌های مهم ایدئولوژی و حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران است. یعنی حدود ۴۳ سال است که جمهوری اسلامی عملاً نصف جمعیت کشور را عملاً بی‌حقوق و خانه‌نشین کرده است.

زنانی که زندگی در ایران برایشان جهنم و پر از تبعیض و سرکوب سیستماتیک است، انتشار چنین اخباری نتیجه‌ای جز تشدید انزوا، خشم و تحمل فشارهای مخرب روانی بر روی آن‌ها، حاصل دیگری ندارد.

اما این خبر ظاهراً از سوی وزارت آموزش و پرورش تکذیب شد و مدیرکل ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات آموزش و پرورش در بیانیه‌ای اعلام کرد که به هیچ‌وجه چنین قانون و بخش‌نامه‌ای وجود ندارد و پدر یا مادر هر دو به‌عنوان ولی دانش‌آموز در امور آموزشی و پرورشی فرزند خود مشارکت داشته دارند. واقعیت آن‌چه در مدارس می‌گذرد اما با این تکذیب فاصله زیادی دارد. سران، مقامات، نهادهای سیاسی، نظامی، قضائی، آموزش، بهداشتی و... جمهوری اسلامی مانند آب خوردن دروغ می‌گویند و هیچ شرمی هم از این کار زشت و غیرانسانی خود ندارند. یک مدیر مدرسه که نخواست نامش فاش شود، گفته طی بخش‌نامه‌ای به آن‌ها اعلام شده تمامی مدارک دانش‌آموز اعم از کارنامه و پرونده تحصیلی فقط به پدر یا جد پدری داده می‌شود. به‌نظر می‌رسد این طرح یا بخش‌نامه به‌صورت گزینشی به برخی مدارس ارائه شده است.

همزمان با لغو سند ۲۰۳۰، رئیس سازمان بسیج مستضعفین از برنامه‌ریزی این سازمان برای «تربیت» هشت میلیون «جوان انقلابی» خبر داد.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گفت که ابراهیم رئیسی، آیت‌الله کشتار مصوبه شورا برای «لغو اجرای سند ۲۰۳۰» را ابلاغ کرده است.

سعیدرضا عاملی گفت: «هر سند که با موازین جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌های اسلامی در تعارض باشد لازم‌الرعایه نیست.»

اما سند ۲۰۳۰ که ابراهیم رئیسی مصوبه لغو آن را ابلاغ کرده چیست و دلایل مخالفت با آن چه بوده است؟ در شهریورماه ۱۳۹۴ دستورکار سند ۲۰۳۰ با ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل به‌تصویب رسید تا جایگزین اهداف توسعه هزاره شود.

آموزش بین فرهنگی، برابری جنسیتی، فرصت‌های اجتماعی برابر برای زنان و مردان، رفع تبعیض از اقلیت‌ها، احترام به تنوع فرهنگی، گسترش آموزش‌های دوزبانه و چندزبانه در جوامع چندزبانه، تربیت نسل جدید با نگاه شهروند جهانی، حفظ محیط زیست، فرهنگ صلح و عدم خشونت، حقوق بشر و ... از جمله اهداف ۱۷گانه این سند به‌شمار می‌رود.

یک سال بعد در آذرماه ۱۳۹۵ از سند ملی آموزش ۲۰۳۰ که در بیش از ۳۰۰ صفحه با هدف اجرای اهداف آموزشی سند ۲۰۳۰ یونسکو تدوین شده بود، رونمایی شد.

این سند از همان آغاز با مخالفت صریح علی خامنه‌ای رهبر جمهوری جهل و جنایت و ترور و فاسد اسلامی مواجه شد که آن را «مروج سبک زندگی فاسد غربی» خوانده بود.

خامنه‌ای سه بار در فاصله ۱۲ اردیبهشت تا ۱۸ خرداد ۱۳۹۶ به روشنی با اجرای این سند مخالفت کرد و انگشت اتهام خود را به سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی نشانه رفت. او در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۹۶، در جمع معلمان و کارکنان آموزش و پرورش از شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر این‌که «باید مراقبت می‌کردند و نباید می‌گذاشتند کار به‌جائی بکشد که ما جلوی آن را بگیریم. این‌جا جمهوری اسلامی است»، گفت: «این سند ۲۰۳۰ یونسکو چیزی نیست که جمهوری اسلامی تسلیم آن شود. اصل کار غلط است؛ این‌که برویم سندی امضاء کنیم و بعد بی‌سروصدا آن را اجرا کنیم؛ مطلقاً مجاز نیست.»

سند آموزشی ۲۰۳۰، بخشی از برنامه سازمان ملل متحد برای «توسعه پایدار» کشورهای عضو است که در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، اما الزامی برای اجرای آن توسط کشورهای عضو وجود ندارد. با

این حال این سند چشم‌اندازی را برای سال ۲۰۳۰ ترسیم کرده است تا تامین «نیازهای امروز بدون نادیده گرفتن نسل‌های آینده» انجام شود. در این میان آموزش کودکان و آشنائی آن‌ها با نیازهای قرن جدید مورد توجه قرار دارد.

در این اعتراض امامان جمعه و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه با خامنه‌ای همراه شدند. مخالفان این سند را ابزاری برای «توطئه» و «نفوذ» عنوان کردند و به‌طور مشخص به مواردی نظیر برابری زن و مرد، آموزش فراگیر تحت نظارت خارجی و گسترش جریان‌های غیردینی اشاره کردند. روزنامه کیهان این سند را نفوذ منابع روشنفکری و سکولار بر مبنای آموزه‌های غربی توصیف کرده بود.

بخش دیگری از این سند که به گفته تحلیل‌گران مخالفان زیادی در جمهوری اسلامی داشت، نکوهش استفاده از کودک‌سربازان بود. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که سابقه‌ای طولانی در استفاده از کودک‌سربازان دارد. گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی نیز به‌طور علنی از کودکان در امور نظامی استفاده می‌کنند. سرانجام در ۲۳ خرداد ۱۳۹۶، جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای بررسی موضوع تشکیل شد و به لغو سند ۲۰۳۰ رای دادند.

پیش از آن نیز اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم از توقف اجرای این سند خبر داده بودند. به گفته آن‌ها این سند «صرفاً یک بیانیه» غیرالزام‌آور است و «کشورها مطابق ساختار ملی خود می‌توانند آن را اجرا نکنند». با این حال برخی اصول‌گرایان نسبت به اجرای پنهانی این سند ابراز نگرانی کرده بودند. به این ترتیب آنچه که روز دوشنبه از سوی رئیسی ابلاغ شده مصوبه چهار سال قبل شورای عالی انقلاب فرهنگی و گام دیگری رو به عقب در مسیر توسعه آموزشی و فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود.

همزمان با ابلاغ لغو سند ۲۰۳۰ از سوی ابراهیم رئیسی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین از برنامه‌ریزی این سازمان برای «تربیت» هشت میلیون «جوان انقلابی» خبر داد.

غلامرضا سلیمانی پیش از این نیز گفته بود که «تربیت» هشت میلیون «جوان انقلابی» مطالبه رهبر جمهوری اسلامی است. علی خامنه‌ای پس از مخالفت با سند ۲۰۳۰ به مسئولان اجرائی دستور داد مبنای کار آنان در آموزش و پرورش «سند تحول بنیادین» باشد.

سند تحول بنیادین در چارچوب سیاست‌های جمهوری اسلامی تدوین شده و هدف آن تضمین پایه‌های حکومت ایران است. این هدف در مدارس ایران به شیوه‌های مختلف دنبال می‌شود و یکی از این شیوه‌ها، گسترش فعالیت‌های «بسیج دانش‌آموزی» است.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین از برنامه‌ریزی این سازمان برای «تربیت» هشت میلیون «جوان انقلابی» خبر داد. به گفته غلامرضا سلیمانی، ۱۰ قرارگاه بسیج به این هدف اختصاص داده شده و دو قرارگاه نیز به «تعلیم، تربیت و روشنگری» و «هدایت سیاسی» اختصاص یافته‌اند. پیش‌تر محسن حاجی میرزائی، وزیر آموزش و پرورش دولت دوازدهم، نیز گفته بود که وظیفه آموزش و پرورش «تربیت سربازان تمدن نوین اسلامی» است. جمهوری اسلامی در حالی از نوجوانان برای پیش‌برد اهداف نظامی و سیاسی خود استفاده می‌کند که بر اساس پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، استفاده از کودکان در درگیری‌های مسلحانه نقض آشکار حقوق کودکان به‌شمار می‌رود.

غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، روز دوشنبه، ۲۲ شهریور، در همایش سراسری هادیان سیاسی نیروهای مسلح، چشم‌انداز بسیج در ۱۰ سال آینده را ترسیم کرد. گفته‌های او نشان می‌دهد که سازمان بسیج

مستضعفین برای جذب نوجوانان و استفاده از آنان برای پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی برنامه‌ای ۱۰ ساله دارد.

سند تحول بنیادین در چارچوب سیاست‌های جمهوری اسلامی تدوین شده و هدف آن تضمین پایه‌های حکومت اسلامی ایران است. این هدف در مدارس ایران به شیوه‌های مختلف دنبال می‌شود و یکی از این شیوه‌ها، گسترش فعالیت‌های «بسیج دانش‌آموزی» است.

هم‌اکنون بیش از ۱۵ میلیون دانش‌آموز در کشور وجود دارند که از این میان، حدود چهار میلیون نفر در دوره متوسطه اول درس می‌خوانند. نزدیک به سه میلیون نفر هم دوره متوسطه دوم را می‌گذرانند و بیش از یک میلیون نفر نیز در هنرستان‌های فنی-حرفه‌ای یا کارودانش تحصیل می‌کنند. اگر تعداد نوجوانان بازمانده از تحصیل نیز به این آمار اضافه شود، همان عدد هشت میلیون به دست می‌آید که رئیس سازمان بسیج مستضعفین از آن سخن گفته است. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی به‌منظور تحقق اهداف سیاسی خود، برای «تربیت» بیش از هشت میلیون نوجوان ۱۳ تا ۱۸ ساله در ایران خیز برداشته است.

جالب این است که جمهوری اسلامی این هدف پنهانی دنبال نمی‌کند و مقام‌های آموزش و پرورش به آن اعتراف کرده‌اند. به عنوان مثال، محسن حاجی‌میرزائی، وزیر آموزش و پرورش دولت حسن روحانی، زمستان ۱۳۹۹ به‌صراحت اعلام کرد که وظیفه آموزش و پرورش «تربیت سربازان تمدن نوین اسلامی» است. سیدمحمد بطحائی، وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی در سال ۱۳۹۸، نیز گفته بود: «اکنون ۱۴ میلیون دانش‌آموز داریم که به‌رغم همه حمله‌های فرهنگی، اگر لازم باشد همانند دوران دفاع مقدس در صحنه خواهند بود و جان‌فشانی خواهند کرد.»

جمهوری اسلامی در حالی از دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی خود استفاده می‌کند که بر اساس ماده ۱ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شود و حکومت‌های عضو متعهد شده‌اند در اجرای هر برنامه‌ای «منافع عالی» کودکان را در نظر بگیرند. در ماده ۳۸ این معاهده جهانی نیز تأکید شده است که کشورهای عضو باید تضمین کنند از کودکان در نیروهای نظامی استفاده نمی‌شود.

ایران در سال ۱۳۷۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را امضاء کرد؛ با این حال در موارد مختلفی آن را نقض کرده است.

آموزش و تربیت نسل جوان در ایران بر اساس اهدافی که در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده، پیش می‌رود و استفاده از کودکان در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران رویه‌ای است که پیش‌تر نیز وجود داشته است. در زمان جنگ ایران و عراق بیش از ۳۳ هزار کودک‌سرباز جان خود را از دست دادند.

همچنین تغییرات محتوایی کتاب‌های درسی در ایران؛ از زمره دغدغه‌های اصلی کارشناسان در نظام آموزشی و پژوهشی در ایران بوده است چنانچه این کارشناسان معتقدند کتاب‌های درسی کودکان و نوجوانان باید مروج صلح و همزیستی انسان‌ها و پذیرش تفاوت‌های اجتماعی و مدارا باشد. کتاب‌های داستانی کودکان هم باید ارزش‌هایی مانند انسان‌دوستی و دوست داشتن حیوانات و حفظ محیط زیست و دوستی با طبیعت و عدم خشونت ورزی را تبلیغ و ترویج کند.

بسیاری حذف برخی متون درسی و ایجاد تغییرات در آن را تقلای رهبر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاسی و تصمیم‌گیری در این کشور می‌دانند.

علی خامنه‌ای به کرات و در مناسبت‌های مختلف از ضرورت ویرایش متون درسی و گنجاندن برخی موضوعات سیاسی در آن‌ها تاکید داشته است، به‌ویژه تحولات در حوزه علوم انسانی. به‌نظر می‌رسد کتاب‌های درسی بهترین راه برای نفوذ و ماندگاری سیاست‌های حاکمیت در میان نسل‌های مختلف است.

در سال ۹۸ نیز واکنش‌های بسیاری نسبت به حذف آثار ادبی برخی از نویسندگان و شاعران بزرگ ایران از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان این کشور، صورت گرفت. این تغییرات عمدتاً در خصوص محتوای آموزشی در رشته‌های ادبی و علوم انسانی رخ نموده بود.

به‌دنبال حذف آثاری از شاعران نامدار ایرانی همچون عطار نیشابوری، نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، رهی معیری و هوشنگ ابتهاج (سایه)، از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ایران در پائیز سال ۹۸ و جایگزینی آثار نویسندگان و شاعران نزدیک به حکومت، همچون، رضا امیرخانی، فاضل نظری و مرتضی امیری اسفندقه در کتاب‌های درسی اعتراض‌های گسترده‌ای نسبت به این موضوع به‌ویژه در فضای مجازی رخ داد. به‌دنبال آن حسین قاسم‌پور مقدم، یکی از اعضای گروه تالیف کتاب‌های درسی ادبیات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با دفاع از تغییرات ایجاد شده در محتوای کتاب‌های درسی، گفت: «این تغییر برای متناسب‌سازی کتاب‌ها با سند «تحول بنیادین» و سند «برنامه درسی ملی» بوده است.»

این سند می‌گوید: «تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

مشاور عالی وزیر آموزش و پرورش گفته است که بیش از ۸۰ درصد نقدهای محتوایی حوزه علمیه، در چاپ جدید کتاب‌های درسی اعمال شده است. جذب سالانه پنج هزار طلبه وظیفه به‌روشن خرید خدمتی در آموزش و پرورش نیز از برنامه‌های سندهمکاری بین حوزه علمیه و آموزش و پرورش، عنوان شده‌اند.

تغییرات انجام شده در کتاب‌های درسی و برنامه‌های جدید آموزش و پرورش که در قالب همکاری با حوزه علمیه در حال انجام است، بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است. بر اساس این سند، طی برنامه پنج ساله همکاری مشترک حوزه علمیه و سازمان آموزش و پرورش، در محتوای درس‌ها و نحوه مبانی آموزشی در مدارس، تغییراتی داده خواهد شد.

مشاور عالی وزیر و دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش، همچنین اعلام کرده که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، «محوریت ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی» در نظر گرفته شده است. به‌گفته علیرضا حاجیان‌زاده، این سند بر لزوم مشارکت دستگاه‌ها و نهادهای برون‌سازمانی در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت تاکید دارد. حاجیان‌زاده با اشاره به ویژگی برنامه پنج‌ساله همکاری مشترک حوزه علمیه و آموزش و پرورش اضافه کرد: «این همکاری‌ها در عرصه‌های نیروی انسانی، تبلیغ و فعالیت فرهنگی، برنامه درسی و مشارکت حوزه در تامین محتوای آموزشی و محتوای کتب درسی، پژوهش و تبادل فکر و اندیشه با حوزه علمیه و همچنین مدارس وابسته به حوزه علمیه جریان دارد.»

البته سانسور محتوا و تصاویر کتاب‌های درسی، در دوران جمهوری اسلامی ایران سابقه‌ای طولانی دارد و از حذف بخشی از تاریخ ایران تا تحریف آن به نفع سیاست‌های کنونی جمهوری اسلامی و حتی حذف اشعار شاعران نامدار ایرانی پیش رفته است. در مقطعی هم تصویر دختران از جلد کتاب درسی حذف شد.

جمهوری اسلامی در دوران چهل و سه ساله حاکمیت خود، همواره تلاش کرده است تا به منظور تزریق هر چه بیشتر مباحث ایدئولوژیک اسلامی، در سیستم آموزشی تغییراتی ایجاد کند.

آنچه مسلم است اهمیت کتب درسی در پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی در جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این تغییرات در متون درسی همراه با سیاست‌های حاکمیت در ایران تغییر خواهد کرد. هرچند شتاب این تغییرات بسیار زیاد است ولی به نظر می‌رسد، برخی خانواده‌ها منابع آموزشی بیرون از مدرسه را برای این مسأله جایگزین خوبی یافته‌اند.

معاون پژوهشی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی از بومی‌سازی (اسلامی‌سازی) علوم صحبت کرد و گفت: «یک کتاب درسی هم می‌تواند ابزار استعمار باشد. وقتی شما کتاب درسی را از یک کشور دیگر انتخاب و ترجمه می‌کنید، در حقیقت محتوای فرهنگی از آن کشور می‌آورید.»

معاون وزیر آموزش و پرورش حکومت اسلامی نیز از شکستن انحصار زبان انگلیسی و ورود زبان چینی در برنامه درسی مدارس سخن گفت.

تلاش برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و تغییر محتوای درسی موضوع تازه‌ای نیست و بیش از چهار دهه سابقه داشته، اما تشدید و شتاب گرفتن این روند، به نوعی نشان‌گر هراس ایدئولوژیک حکومت از فرهنگ و آگاهی و دانش در جامعه است.

لبه تیغ سانسور و محدودیت در جمهوری اسلامی شامل موضوعات بسیاری می‌شود، از فرهنگ و تاریخ گرفته تا موسیقی، شعر، فیلم و پوشش و البته علم و دانش و دستاوردهای بشری. از بین شاخه‌ها و زمینه‌های گوناگون علم و فناوری، شاید هیچ شاخه‌ای چون زیست‌شناسی تکاملی و نظریه داروین، نهادهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را هراسان نکرده باشد.

وزارت ارشاد و یا نهادهای کنترل محتوای کتب درسی با نظریه‌های الکترومغناطیس و ریاضیات مشکلی ندارند، اما دریافته‌اند که برخی زمینه‌های علمی، پیامدهایی فکری به دنبال دارد که چندان برای حکومت مطلوب نیست.

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست دولت روحانی، در شهریور ۱۳۹۸ با اشاره به تعطیلی «مدارس طبیعت» صراحتاً گفته بود که «به‌طور رسمی به بچه‌های مردم می‌گویند خلقتی وجود ندارد، همه تکامل است. داروین این‌طور نمی‌توانست شست‌وشوی مغزی به بچه‌ها بدهد. من به عنوان یک مسلمان تماشاچی باشم؟»

در ماده ۴ آئین‌نامه اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب دقیقاً همین هراس حکومت از نشر علم و آگاهی انعکاس یافته و از ممنوعیت انتشار کتاب‌هایی که با وجود جمهوری اسلامی «ترویج مادی‌گرایی فلسفی و اخلاقی و سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی» به‌شمار می‌روند صحبت شده است؛ کتاب‌هایی که در نگاه حکومت و بر اساس این آئین‌نامه، «تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه‌گری، انکار یا تحریف مبانی و احکام اسلام و مخدوش کردن چهره شخصیت‌هایی که از نظر دین اسلام محترم شمرده می‌شوند و تحریف وقایع تاریخی دینی که مآلاً به انکار مبانی دین منجر شود.»

انسان‌شناسی و آموزه‌های زیست‌شناسی تکاملی انسان، منشأ فرهنگ و منش دین و باور در جوامع انسانی، به‌طور کلی از دید حکومت، در حیطه ممنوعه‌های فکری محسوب می‌شود. و احتمالاً دلیل آن این است که بر اساس ارزیابی نهادهای حکومتی، افراد با مطالعه کتاب‌هایی چون «انسان خردمند» یووال نوح هراری، دیگر زیر بار باور‌هایی چون ولایت فقیه و فقه و شفاعت و جهاد و تمام ارزش‌هایی که حکومت روی آن حساب کرده نخواهند رفت. بنابراین تعجبی ندارد که مجوز کتاب‌های یووال نوح هراری (انسان خردمند، انسان خداگونه و...) لغو شود.

پایه دیگر هراس ایدئولوژیک حکومت، علوم انسانی است. علی‌اکبر ولایتی، رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی، جایی گفته بود «متأسفانه بعد از دارالفنون، فرهنگ ما غربی شد و خیلی سخت است که جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را از فرهنگ غرب رها کنیم».

تلاش برای اسلامی‌سازی محتوای کتب درسی از نظر تاریخی به سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ و ماجرای انقلاب فرهنگی بازمی‌گردد که قرار بود با «تحول محتوایی در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اسلامی» دانشگاه را از عناصر غربی پاک‌سازی کند.

جمهوری اسلامی در این سال‌ها ده‌ها نهاد و کارگروه و شورا تشکیل داده و از شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم گرفته تا برنامه «افق ۱۴۰۴» و یا سند ۷۴ صفحه‌ای نقشه جامع علمی کشور تنها یک هدف را دنبال کرده است: اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها.

در بی‌حاصل بودن این تلاش‌ها همین بس که با گذشت بیش از چهار دهه، هر بار از شورا و کارگروه و سند جدیدی رونمایی می‌شود که نشان می‌دهد دانشگاه‌ها و محتوای کتب درسی علوم انسانی هنوز اسلامی نشده‌اند.

علی خامنه‌ای در سال‌های اخیر جایی گفته بود: «متأسفانه در برخی مواقع به‌جای ترویج زبان فارسی، زبان انگلیسی ترویج می‌شود و اکنون کار به جایی رسیده است که آموزش زبان انگلیسی به مهد کودک‌ها کشیده شده است.» روح‌الله خمینی نیز نظر مثبتی به زبان انگلیسی نداشت و در سخنان خود از خائن‌هایی نام برده بود که به تعبیر او در زمان سابق به دنبال ترویج زبان انگلیسی بودند.

همان‌گونه که در جریان اعتراضات خونین آبان ۱۳۹۸، بحث آموزش زبان چینی در مدارس مطرح شد، پیش‌تر در کشاکش اعتراضات خونین ۱۳۹۶ نیز خبر ممنوعیت تدریس زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی ایران منتشر شده بود. دقیقاً در دی ماه سال ۹۶، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش گفته بود تدریس زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در ساعات رسمی یا غیررسمی ممنوع است و در صورت مشاهده با آن برخورد خواهد شد.

این هم‌زمانی بین اعتراضات و این‌که حکومت تقریباً در همان زمان دوباره به یاد محدود کردن آموزش زبان و اسلامیزه کردن کتب درسی می‌افتد، ممکن است در نگاه اول تصادفی به‌نظر برسد، اما بیانگر عمق نگرانی و هراس ایدئولوژیک حکومت از نسلی است که کم‌ترین اشتراک عقیدتی و ارتباط فرهنگی با حاکمیت احساس نمی‌کند.

در پایان می‌توانیم به تاریخ اشاره کنیم که برای مثال، رمان ۱۹۸۴ اثر جورج اورول، تشکیلاتی وجود دارد به‌نام «پولیس مبارزه با جرائم فکری» و وزارت حقیقت نیز با دستگاه تله‌اسکرین همه‌چیز را کنترل می‌کند. همه باید به این باور برسند که به‌جز آنچه حزب حاکم می‌گوید، هیچ چیزی درست نیست. اقدام هماهنگ و سراسیمه نهادهای مختلف حکومتی برای تشدید اسلامی‌سازی علوم، به‌خصوص پس از موج تظاهرات ضدحکومتی سال‌های ۹۶ و ۹۸ و ۹۹، بی‌شباهت به تصویری که جورج اورول از وزارت حقیقت ارائه کرده نیست.

چهل و سه سال پیش در ایران انقلابی روی داد که هدف اصلی آن دستیابی به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و رفاه بود، اما حاکمیت جدید همه تلاش‌های خود را به کار برد و هنوز هم می‌برد تا جامعه ایران اسلامی شود.

در واقع از فردای پیروزی انقلاب تلاش برای برچیدن مظاهر غیردینی زندگی اجتماعی از شکل پوشش زنان در انتظار عمومی آغاز شد و خیلی زود به سایر شئون زندگی و از جمله ایجاد تغییرات در مطالب کتب درسی دانشگاه‌ها و مدارس کشیده شد.

هدف، اسلامی کردن همه مظاهر زندگی در ایران بود. رهبران دینی و سیاسی کشور بارها تاکید کردند که انقلاب برای کسب نعمات مادی نبوده، بلکه برای گسترش اسلام و پیشبرد ارزش‌های اسلامی در جامعه بوده است.

برای رهبران جمهوری اسلامی ایران آن‌طور که خود بارها اعلام کرده و می‌کنند، تغییر ایران به اولین کشور اسلامی در دوران جدید و ایجاد آن‌چنان جامعه‌ای است که برای سایر کشورها ی مسلمان الگو شود.

بعضی از سران جمهوری اسلامی ایران مدعی‌اند که جامعه کنونی ایران یک جامعه نمونه در جهان است.

امروز برای مردم ایران به‌ویژه جوانان و زنان، مقابله با قوانین اسلامی به‌معنای مقابله با حکومت سرکوبگر و چپاول و جنایت‌کار است. این مبارزه مردم برای به شکست کشاندن و به زیر کشیدن این حکومت هر روز ابعاد گسترده‌تری به‌خود می‌گیرد. شکست پروژه اسلامیزه کردن جامعه ایران ناشی از همین مبارزه مردمی است. بی‌گمان برچیدن بساط جمهوری اسلامی الگوی رهائی به همه مردم منطقه ارائه خواهد داد. به‌همین دلیل با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی ایران نه تنها مردم این کشور بلکه مردم منطقه نیز نفس راحتی خواهند کشید!

یکشنبه بیست و هشتم شهریور ۱۴۰۰ – نوزدهم سپتامبر ۲۰۲۱

ضمیمه:

یک روز خوب می‌آید؛ مستندی از سپیده قلیان این جوان مقاوم و عزیزمان!

پنگ: مستندی زیبا از سپیده قلیان

پنگ تو را سلاخی کرده‌اند؟

دوربین، دوربین ثبت دروغ و انتشار آن بود!

زندگی در جهنم و مقاومت در دل توحش. این‌جا زندان سپیدار، زندان مرکزی بوشهر، زندان قرچک ورامین، این‌جا زندان جمهوری اسلامی است.

این‌جا مائیم و تعرض و دوربین و اعترافات اجباری، فریب و دروغ نمایی و صد بار کوبیدن دروغ سازماندهی شده

بر سر ما و مردم.

«زنم، زندانی‌ام، قنادم، گُردم، عربم، ترکم، لرم، گیلیم، نامرئی هستم»!

دور افتاده‌ای از کاشانه.

به کارگاه قتادی «پنگ» بیا. جنگ و مصیبت را رها کن و با ما فراموش‌شدگان کامت را شیرین کن.

«پنگ» در گویش بوشهری به‌معنی خوشه خرماست، مردمان جنوب همواره در طول تاریخ رنج‌هایشان را به «خوشه‌های خرما» سپرده‌اند.

لینک مستند سپیده: <https://youtu.be/lhXSudMAQtA>